

از حق و آن معاویه و اتباع و میشد و اینک بخاریه و مخالفه ایشان
 میروید و با مار قین ایشان اندرین امه هنوز و مراد با ایشان خویشند
 که امیر المؤمنین علی رضی الله عنه بعد از شهادت عمار با ایشان عمار را
و از آنکه گفت که امیر المؤمنین علی رضی الله عنه صد ار زره که هنوز
 از خاک جدا نکرده بودند ازین پیش حضرت رسالت صلی الله
 علیه و سلم فرستاد از آن رجوعی نداشت کرد و از اهل بی خودیش گفتار
 گفتند با رسول الله ما را میگذاری و بر اهل بیعت میبندی رسول
 صلی الله علیه و سلم فرمود که از برای آن بر ایشان نیت کردم تا با سلام
 و اهل آن الفت گیرند درین بود که ناکاه شخصی چشمها نگاه کرد
 رفتند رضا را بر آن با ریش کثیف بر موی آن گفت ای محمد
 از خدا ای تعالی به بر من رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که زمان صلی
 تعالی را که بردار من عاصی شوم خالد بن ولید رضی الله عنه حاضر بود
 اجازت قتل می خواست اجازت نیافت پس آن شخص بر وی
 بگریه و رفت رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که از نسل من
 قوی پیدا استونند که قرآن خواندند اما از کلوی ایشان در نکرده

اهل اسلام را قتل آرند و عابدان اصنام را بگذاردند غیر چون رسول
 محامد صلی الله علیه و سلم من الریه یعنی از دین اسلام برون آید همچون برین
 آن تیر از شکاری و خوارج از اصل وی بودند لاجرم ایشان را
 ماری گویند **و از آنکه گفت** که رسول صلی الله علیه و سلم اسما
 بنت عیس را گفت که ترا از امت من سده نفر زن گنبدت بجز من
 ابو طالب و ابوبکر من او قفاقه و علی بن ابی طالب اختیار کردن ایشان
 از آنکه دوست تر نسبت پیش تو تا در سبقت منور تو باشد و ای
 بن ابی طالب رضی الله عنه اختیار کرد زیرا که بگارت و بر او بجهت
 برده بود و چنانکه رسول صلی الله علیه و سلم اختیار فرموده بود و او فرستند
 بعد از جمع اسماء را ابوبکر رضی الله عنه نکاح کرد و بعد از وفات ابوبکر
 رضی الله عنه علی رضی الله عنه نکاح کرد **و از آنکه گفت** که رسول
 صلی الله علیه و سلم امیر المؤمنین علی رضی الله عنه خبر فرموده بود که بخاریه
 خواری کرد با جماعتی با رفیقین از دین یعنی خوارج که در میان ایشان شخصی
 باشد که بجای یک دست و یا باره گوشت باشد بر سر دو تن و یا
 چون پستان زمان و بر آن گوشت باره موی چند باشد چون دم بر کوه

اینست
 از آنکه گفت

Copyright © King Fahd University